

تحلیل «فرهیختگان» از لیست نامزدهای اسکار

خطر مضمون زدگی



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

نامزدهای نودوهشتمین مراسم اسکار مشخص شد. اتفاقی که اسکار امسال را از سال قبل و همین طور ترکیب فیلم های موفق ۲۰۲۵ متمایز می کند، تمایل عجیب آکادمی بر روی آثار مضمون زده است. «گناهکاران» در اسکار ۲۰۲۶ با شانزده نامزدی در رشته های مختلف نه تنها پرتکرارترین اسم در سیاهه مراسم پرزرق و برق آکادمی علوم و هنرهای سینمایی در سال ۲۰۲۶ است، بلکه رکورددار بیشترین نامزدی در طول تاریخ این مراسم به حساب می آید! این اتفاق البته ربطی به تبجر فنی، تکنیکی و روایی «رایان کورگلر» در مقام کارگردان فیلم ندارد و بیشتر برای مرعوب ساختن منتقدان، مخالفان و همین طور ساخت الگوی مصرف جدیدی برای موفقیت تضمینی فیلم سازان در جشن هایی نظیر اسکار کارکرد پیدا می کند. اگر در قالب یک بدفهمی آشکار معیار سنجش آثار هنری را در قالب یک مفهوم «کتی» فهم کنیم گناهکاران و آثاری ازاین دست بی پرو برگرد در نقطه اوج هنر و صنعت سینما می ایستند و فیلم های «آلفرد هیچپاک»، «استلی کوپرک»، «رابرت آلتمن» و... هیچ جایی در این میان پیدا نمی کنند. نظام ادراکی مخاطبان سینما از ایران خودمان گرفته تا غرب و شرق عالم، متکی و مبتنی بر سیستم امتیازدهی صفر و صدی است و اهمیتی برای تربیت سلیقه تماشاگران به شکلی ارگانیک و غیردست کاری شده قائل نمی شود. پس وقتی اسکار و باقی جشن ها و جشنواره های سینمایی در تصمیمی خلق الساعه به این نتیجه می رسد که در ظاهر برای آنچه مقابله با تبعیض نژادی و جنسی می داند به کثرت گرایی رو بیاورد، تکلیف فیلم هایی که تا پیش ازاین محبوب آکادمی و مراسمی چون اسکار بوده اند مشخص می شود.

گناهکاران محصول چنین نگاهی به عالم سینما و اقتضانات حاکم بر تولید فیلم است. این اثر اگر از رنگ و لعاب شدید حمایت از سیاه پوستان برخوردار نبود با وجود ضعف آشکار در ساختار روایی اصلاً به چشم نمی آمد. باری، کیفیت فنی و روایی فیلم ها در سال ۲۰۲۵ بر خلاف دوره های پیش نه تنها در حد مطلوبی بود، بلکه آثار در نسبتی فراتر از حد انتظار به سرویس های پخش استریم و سالن های سینما رسیدند. در گزارش پیش رو، علاوه بر بررسی اسامی پرتکرار اسکار نودوهشتم به این سؤال پاسخ می دهیم که وضع سینما در آینده به کجا کشیده خواهد شد و چه دورنمایی می توان برای این صنعت درنظر گرفت؟

اسپایک لی ها در حال تکثیر

بسیاری از وبسایت های انگلیسی زبان در تأیید اقبال آکادمی اسکار به فیلم گناهکاران دلایل مختلفی را برشمرده اند که بیان آن ها در این بخش خالی از لطف نیست. اولین و شساید تلخ علت درون متنی اهمیت حضور

چرا چشم آمریکا به دنبال پدیدهٔ چینی جهان پلنفرمی است

ترامپ دنبال کنترل امریکن جونیورها



مریم فضائی خبرنگار گروه فرهنگ

جلسه، بیشتر شبیه بازجویی بود تا استماع. مدیرعامل تیک تاک، شوزی چو، پشت میز نشسته بود و نمایندگان کنگره، یکی یکی او را در گوشه رینگ قرار می دادند؛ با سؤال هایی که نه فقط پاسخ فنی، بلکه اعتراف سیاسی می خواست. از جاسوسی گرفته تا امنیت کودکان، از اعتیاد نوجوانان تا سوء استفاده از داده ها.

جان جويس، نماینده جمهوری خواه سنسیلوانیا، حمله را شروع کرد: «تیک تاک یک ابزار جاسوسی در جیب لباس آمریکایی هاست.» جمله ای که بیشتر از آنکه خطاب به مدیرعامل باشد، پیامی به افکار عمومی داشت؛ پیامی درباره ترس از یک پلنفرم غیر آمریکایی که میلیون ها شهروند ایالات متحده هر روز با آن زندگی می کنند. در سوسی دیگر، آن مک کلانه کاستر، نماینده دموکرات نیوهمپشایر، زاویه ای متفاوت گرفت؛ اما به همان اندازه تند: «من نگران بچه ها هستم.» نگرانی اش نه فقط از محتوا، بلکه از سازوکاری بود که به گفته او، به کودکان اجازه می دهد به راحتی نشان را جابه جا کنند و وارد جهانی شوند که کنترلی بر آن نیست. امنیت کودکان، این بار به زبان سیاست، تبدیل به یکی از کلیدی ترین اتهام ها علیه تیک تاک شد.

در میانه این فشارها، شوزی چو مدام مجبور است مرزی میان خودش و چیزهای دیگر بکشد؛ مرز میان خود، شرکت، دولت ها و ساختارهای قدرت. «من نمی توانم از طرف اتحادیه اروپا صحبت کنم، من نمی توانم از طرف رئیس کمپانی صحبت کنم، من نمی توانم از جانب حکومت چین صحبت کنم و...»

این جلسه دادگاهی فقط یک دعوی حقوقی نبود؛ نقطه تمرکز همه سوء ظن ها و حساسیت های آمریکا نسبت به یک پدیده شبکه اجتماعی غیر آمریکایی بود. پلنفرمی که حالا دیگر صرفاً یک برنامه سرگرمی نیست، بلکه به مسئله ای امنیتی، فرهنگی و سیاسی تبدیل شده است. این دادگاه برای بیش از دو سال پیش است و نتیجه اش امروز در یک خبر قابل درک است؛ بالاخره آمریکا مالکیت تیک تاک را به دست گرفت.

اینجا دیگر فقط پای یک اپ در میان نیست

اگر بخوایم تیک تاک را بدون پیش داوری سیاسی ببینیم، با پدیده ای طرف هستیم که ظرف کمتر از یک دهه، قواعد بازی در شبکه های اجتماعی را عوض کرده است. پلنفرمی که سال ۲۰۱۶ متولد شد، اما نقطه جهش واقعی اش به سه ماهه نخست سال ۲۰۲۰ بر می گردد؛ همان دوره ای که قرنطینه های گروایی، میلیون ها نفر را به صفحه های موایل وابسته کرد و تیک تاک را از یک اپلیکیشن سرگرم کننده به یکی از اصلی ترین میدان های توجه در جهان تبدیل کرد.

در سال ۲۰۲۶، تیک تاک دیگر یک شبکه اجتماعی نه ظهور نیست؛ با بیش از ۱.۹ میلیارد کاربر فعال در سراسر جهان، این پلنفرم حالا جزء پنج شبکه اجتماعی پرتکرار دنیا محسوب می شود. عددی که فقط از محبوبیت حرف نمی زند، بلکه از قدرت اثرگذاری یک الگوریتم می گوید؛ الگوریتمی که بلد است کاربر را نگه دارد، سلیقه اش را بفهمد و محتوا را دقیقاً همان جایی

جلوی چشمش بگذارد که باید.

اگر بخوایم بیشتر درباره اثرگذاری این اپلیکیشن صحبت کنیم، کافی است تعدادد و آمار را وارد متن کنیم و آن وقت ببینیم آمریکایی ها حق دارند تا از قدرت ناگهانی این برنامه پرسند یا نه؟

نفوذ تیک تاک تا کجاست؟

اگر بخوایم اندازه واقعی تیک تاک را بفهمیم، باید از اعداد شروع کنیم؛ اعدادی که به خوبی توضیح می دهند چرا این اپلیکیشن، حالا بیش از هر زمان دیگری زیر ذره بین سیاست گذاران است. تیک تاک در سال ۲۰۲۶، حدود ۱.۹ میلیارد کاربر فعال ماهانه دارد؛ عددی که آن را در جایگاه پنجمین شبکه اجتماعی پرتکراربرد جهان می نشاند. فقط دو سال قبل تر، این پلنفرم حدود ۱.۱۴ میلیارد کاربر داشت. یعنی در فاصله ای کوتاه، نزدیک به ۸۵۰ میلیون نفر به جمع کاربرانش اضافه شده اند؛ رشدی حدود ۷۵ درصد که برای هر پلنفرم دیجیتال، هم رو یاست و هم زنگ خطر.

اما داستان فقط به «ثبت نام» ختم نمی شود؛ مسئله، ماندن است. برآوردها نشان می دهند بین ۸۷۵ تا ۹۵۴ میلیون نفر، هر روز تیک تاک را باز می کنند. یعنی چیزی حدود نیمی از کاربران ماهانه، به طور روزانه در این فضا حضور دارند؛ نسبتی که تیک تاک را به یکی از پرتعاملی ترین پلنفرم های جهان تبدیل می کند. جایی که اسکرول کردن، بی وقفه ادامه پیدا می کند و در بیشتر مواقع خروج، به «ویدئوی بعدی» موکل می شود.

در جغرافیای کاربران، یک تناقض بزرگ خودش را نشان می دهد. ایالات متحده با حدود ۱۷۰ میلیون کاربر، در صدر فهرست کشورها ایستاده است؛ بالاتر از اندونزی، برزیل و مکزیک. پلنفرمی با مالکیت چینی، بیشترین نفوذش را در قلب جامعه آمریکایی پیدا کرده؛ آن هم در شرایطی که کاربرانش روزانه نزدیک به یک ساعت از وقتشان را در این اپلیکیشن می گذرانند. در سوسی دیگر جهان، تیک تاک پیش از مسدود شدن در هند، بیش از ۲۰۰ میلیون کاربر داشت. اگر نقشه را بزرگتر ببینیم، آسیا،اقیانوسیه با نزدیک به ۳۰۰ میلیون کاربر، شلیغ ترن خانه تیک تاک هستند. بعد از آن، خاورمیانه و آفریقا قرار دارند؛ منطقه ای که رشد سریع کاربرانش، تیک تاک را به بازیگری جدی در جنوب جهان تبدیل کرده. اروپا هم با بیش از ۱۶۹ میلیون کاربر فعال ماهانه، سهم قابل توجهی از این معادله دارد؛ سهمی که طبق قوانین سخت گیرانه دیجیتال، به طور رسمی زیر نظر نهادهای نظارتی ثبت و گزارش می شود. در چنین ابعادی، تیک تاک دیگر صرفاً یک شبکه اجتماعی نیست؛ یک زیرساخت جهانی توجه است. زیرساختی که از آمریکا تا آسیا، از نسل زد تا سیاستمداران، همه را ناخواسته وارد بازی خودش کرده؛ و همین گستردگی است که آن را از یک اپ محبوب، به یک مسئله بین المللی تبدیل می کند.

تیک تاک رشدش را مدیون چه کسانی است؟

اگر از «چند نفر بودن» بگذریم، سؤال بعدی این است: چه کسانی این فضا را پر کرده اند؟ پاسخ، ساده و یکدست نیست. خود تیک تاک هم ترجیح داده جزئیات ترکیب کاربرانش را شفاف اعلام نکند و همین، تصویر را کمی مه آلود کرده. بااین حال، برآوردها یک نشانه کلی می دهند؛ در مقیاس جهانی،

در آثار این کارگردان، بومیان افرادی وحشی و حیوان در نظر گرفته شده اند. با هر متر و معیاری که فکرش را بکنید، نه تنها جان فورد کارگردان و فیلم ساز بزرگی است، بلکه در قله سینمای دنیا هم قرار می گیرد، به طوری که اسپایک لی و کارگردانانسی همچون او نمی توانند در افکار خود نیز به موفقیت های سینمایی فورد، هاکس و... دست پیدا کنند، حتی اگر در عالم واقعیت حق با ایشان باشد. البته با دوپینگ اسکار به نفع جریان های نژادی و جنسیتی اسپایک لی و دوستانش می توانند برای تصاحب متعدد گام به گام مجسمه های طلایی اسکار دورخیز کنند؛ اما نمی توانند ذره ای به میزان اثرگذاری فورد در شکل گیری مفهومی به اسم سینمای آمریکا ببیندیشند.

این بار شانس در خانه آقای نابغه را می زند؟

هالیوود اکنون در تصمیم گیری های خود وابسته به حزب دموکرات است و نسبت چندانی با جمهوری خواهان برقرار نمی کند. این را می شود از تعداد ۱۶ نامزدی فیلم گناهکاران و ۱۳ نامزدی جدیدترین اثر «پل توماس اندرسون» نابغه، یعنی «نبرد پشت نبرد» احساس کرد. اگرچه فیلم نخست ربطی به سینما ندارد، ولی دومی از روایتی کاملاً سینمایی برخوردار است و در مسیر پیشبرد قصه و پیروگ بدون تأکید بر تنش و صرفاً با دست گذاشتن روی جنبه های هنرمدانه کارش را جلو می برد. فیلم شاید از زاویه دید گروه های فاشیستی در ایالات متحده به چپ گرایی مشهور بود؛ اما جملگی منتقدان با سلایق متفاوت سیاسی را راضی نگه می دارد و به عنوان یکی از شانس های اصلی در کسب جوایز متعدد اسکار در آینده های متفاوت معرفی می شود. گمانه زنی ها نشان می دهند موفقیت قابل توجه نبرد پشت نبرد در فستیوال ها

و حلقه های منتقدین احتمالاً در اسکار هم تکرار می شود و پل توماس اندرسون نابغه در رشته بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه اقتباسی یکی از شانس های اصلی دریافت مجسمه طلایی است. فیلم پل توماس اندرسون یک معجون خالص پست مدرنیستی است که علاوه بر بی اعتبار دانستن تلاش های گروه های چپ گرا در تغییر شرایط آمریکا، جریان راست گرای افراطی را به سخره می گیرد که این مسئله رمز موفقیت اثر در نود و هشتمین مراسم اسکار است.

اسکار و سینمای آمریکا به کجا می رود؟

سال ۲۰۲۶ را می توان سال بازگشت به سینمای اصیل درنظر گرفت. به عبارت دیگر، مرور دوباره محصولات امسال به مخاطبان یادآوری می کند سینما گرچه تا مرگ قطعی و حتمی همچنان فاصله دارد؛ اما افقی برای تغییر وجود ندارد، زیرا جشنن ها و فستیوال ها همچون سدی مستحکم در برابر تمایل وافر فیلم سازان به پوستاندازی ایستاده اند و میل بیننده را دستکاری و به بی راهه می کشاند. درحالی که امسال و سال های قبل آثاری نظیر «هیت منصفه شماره ۲»، «قاتلان ماه گل» و... با وجود پتانسیل های سینمایی چندان تحویل گرفته نشدند و امسال هم هیچ بعید نیست که آثاری نظیر «فرانکشتاین»، «اف وان» و «مارتی اعظم» دست خالی مراسم اسکار را ترک کنند و چیزی نصیبشان نشود. به بیان دیگر، مخاطب می داند چه می خواهد ولی سیستم امتیازدهی و جوایز سینمایی واقعی به تمایل ایشان در تماشای سینمای اصیل قائل نیستند و راه را به سمت نابودی این صنعت به دست جنبش های هویت طلب جنسی و نژادی هموار می کنند.

است، بلکه بیانگر قدرت الگوریتمی است که کاربران را نگه می دارد، محتوا را در لحظه مناسب به آن ها عرضه می کند و در نتیجه، بازار تبلیغات و کسب درآمد از آن را تبدیل به فرصت های میلیارد دلاری کرده است.

مشکل آمریکا با تیک تاک چینی چیست؟

اگر فکر کنیم تیک تاک فقط یک اپلیکیشن سرگرم کننده است، سخت در اشتباهیم. داستان از سال ۲۰۲۰ آغاز شد؛ زمانی که مقامات آمریکایی برای نخستین بار هشدار دادند این برنامه می تواند تهدیدی برای امنیت ملی باشد. نگرانی اصلی اما چیز دیگری بود: داده های کاربران آمریکایی. دولت واشنگتن نگران بود که شرکت مادر چینی «بایت دنس» تحت فشار پکن، بتواند این داده ها را در اختیار دولت چین قرار دهد. ترس آمریکا محدود به اطلاعات نبود. الگوریتم تیک تاک که با دقت حیرت انگیزی سلایق کاربران را می فهمد و آن ها را درگیر می کند هم یکی دیگر از محورهای نگرانی بود. تصور کنید الگوریتمی که می تواند رفتار، علایق و حتی واکنش های یک جامعه را پیش بینی کند، در اختیار یک شرکت چینی قرار دارد. این همان نقطه ای بود که دولت آمریکا دست به کار شد و با فرمان ها و تهدید به ممنوعیت، سعی کرد کنترل برنامه را در خاک خود در دست بگیرد. تنش ها با فرمان اجرایی ترامپ آغاز شد و ادامه پیدا کرد؛ فرمانی که خواستار واگذاری تیک تاک به سرمایه گذاران آمریکایی بود و پس از آن، دولت بایدن هم سیاست های خود را دنبال کرد. نتیجه؛ ایجاد یک بازوی مستقل آمریکایی با نام «TikTok USDS Joint Venture LLC» که داده های کاربران آمریکایی را جداگانه ذخیره و محافظت می کند و الگوریتمش بر اساس کاربران آمریکایی دوباره آموزش داده می شود. حالا آمریکا به نقطه ای رسیده که می خواست؛ تیک تایی که دست کم در خاک خودش، دیگر «کاملاً چینی» نیست. با بازآرایی ساختار مالکیت و مدیریت، هیت مدیره ای با اکثریت آمریکایی شکل گرفته؛ هیتی که قرار است بر امنیت داده ها، شفافیت عملکرد و مسیر اداره پلنفرم نظارت کند. با این همه، بایت دنس هنوز حدف نشده است. سهم ۱۹.۹ درصدی شرکت چینی یادآوری می کند که این پرونده نه با قطع رابطه، بلکه با مهار و محدودسازی پیش رفته است.

اما اگر از عدد و درصد عبور کنیم، سؤال اصلی چیز دیگری است: آمریکا دقیقاً دنبال چه بود؟ پاسخ، صرفاً اقتصادی نیست. مسئله نه خرید یک اپلیکیشن محبوب، بلکه در اختیار گرفتن هرم های کنترل است؛ کنترل داده های میلیون ها کاربر، کنترل الگوریتمی که توجه را توزیع می کند و کنترل احتمال هر نوع نفوذی که می تواند از دل این پلنفرم بیرون بیاید. در چنین چهارچوبی، تیک تاک دیگر فقط یک فضای سرگرمی یا شبکه ای برای ویدئوهای کوتاه نیست. به یک «مسئله» تبدیل شده است؛ مسئله ای که ریشه اش در آمار کاربران است، اما پیامد هایش در سیاست، امنیت، فرهنگ و فناوری سرریز می شود. درست همین جاست که حساسیت آمریکا نسبت به «تیک تاک چینی» معنا پیدا می کند. پرونده تیک تاک نشان می دهد در عصر پلنفرم ها، میدان اصلی رقابت عوض شده است. دیگر جنگ فقط بر سبب خاك، انرژی یا سلاح نیست؛ بر سر داده است، بر سر الگوریتم است و در نهایت، بر سر ذهن و توجه کاربرانی که هر روز، با هر اسکرول، بیشتر در این معادله درگیر می شوند.

فرهیختگان

فرهنگ



شنبه ۴ بهمن ۱۴۰۴



شماره ۴۶۱۴



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

۵